

خیلی خرسندم و خدا را شاکرم که توفیق عنایت کرد تا یک‌بار دیگر این محفل قرآنی شسیرین و مطلوب و عزیز را در این حسینیه داشته باشیم. از جناب آقای خاموشی و سازمان اوقاف تشکر می‌کنم به‌خاطر برگزاری این دوره از مسابقات و بحمدالله ترویج قرآن کریم به شکل‌های مختلف و پی‌درپی در سراسر کشور. تریک عرض می‌کنم میلاد حضرت اباعبدالله الحسین (علیه‌الصلاة والسلام) را و امیدوارم که خداوند متعال، ما را از پیروان این بزرگوار و این خاندان مکرم قرار دهد.

درباره کلام‌الله مجید، بزرگان و علما هزاران نکته پُر مغز و شیرین گفته‌اند و هزاران‌هزار نکته ناگفته همچنان باقی است. هرچه درباره قرآن عرض بکنیم، به اوج فضیلت قرآنی و ارزش این کتاب مقدّس آسمانی نخواهیم رسید. مسن امروز فقط یک نکته را عرض می‌کنم و توقع دارم که مردم عزیزمان و شنوندگان این سخن به این نکته التفات داشته باشند و توجّه کنند. آن نکته این است که ما هر وقت به قرآن مراجعه می‌کنیم، توجّه داشته باشیم که قرآن معجزه پیغمبر است. قرآن معجزه است؛ یعنی خدای متعال به وسیله قرآن، اثبات نبوّت نَبی مکرم اسلام را کرده؛ این مسئله خیلی مهمّی است. [قرآن] معجزه خالده است. فرق این معجزه با معجزات دیگر انبیا این است که آن معجزات مال دوران خود آن نَبی مکرم بود، و مشاهده معجزه الهی مخصوص به همان مردم بود؛ ناقه صالح را فقط مردم آن زمان دیدند، عصای موسی را فقط مردم آن زمان دیدند، بقیّه خیرش را شفتند؛ لکن معجزه پیغمبر را در طول تاریخ و تا هزاران سال دیگر، خود مردم جلوی چشمشان مشاهده می‌کنند، این معجزه را به چشم خودشان می‌بینند. این استمرار اعجاز قرآنی و اعجاز نبوی یک برکت عظیمی است برای عالم انسانیت، برای عالم وجود.

قرآن همه چیزش معجزه است؛ لفظ قرآن معجزه است، نظم قرآن معجزه است، مفاهیم قرآن معجزه است، خبر قرآن از گذشته و آینده معجزه است، بیان قرآن از سَنَت‌های عالم وجود معجزه است، از بطون انسان خبر دادن معجزه است؛ همه چیز قرآن معجزه است؛ ما از این معجزه بزرگ باید بهره ببریم، استفاده کنیم. اگر از قرآن بهره ببریم، زندگی بشر به سامان خواهد رسید، همه مشکلات برطرف خواهد شد. درس‌های قرآن برای بشر، درس‌های عملی است، قابل تجربه است؛ این غیر از معارف بلندی است که فقط برای بزرگان و اولیا و مقربان، دسترسی به آن ممکن است؛ [منظور از] این چیزی که عرض می‌کنیم، همین ظواهر قرآن است، همین کلماتی است که همه ما می‌فهمیم، همین «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْرِكٍ» است؛ اینها برای آحاد بشر قابل استفاده است؛ قرآن را با این دید نگاه کنیم. من یک مثال عرض می‌کنم که با آن مثال، توجّه بکنیم نوع تبیین قرآنی را؛ مثلاً قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»؛ اگر به خدای متعال توکل کردید، یعنی تکیه کردید و اعتماد کردید، خدا برای شما کافی است و به هیچ وسیله دیگری، به هیچ عامل دیگری برای رسیدن به مقصود احتیاج ندارید. خب این یک درس مهم و کُلّی است؛ منتها باید تدبّر کرد. یعنی چه «اگر توکل کردیم، به عامل دیگری احتیاج نداریم»؟ در چه شرایطی، با چه وضعی این حقیقت قطعی و مسلّم تحقق پیدا می‌کند؟ این را از خود قرآن باید پرسید؛ خود قرآن این را برای ما مشخص می‌کند. توکل به خدا و ترتّب اثر بر توکل به خدا، دارای یک شرط ذهنی، و یک شرط عملی و واقعی است. اگر این دو شرط تحقق پیدا کرد، آن وقت «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» یعنی محتاج هیچ عامل دیگری نخواهد بود.

یکی از آن دو شرط، شرط ذهنی است. شرط ذهنی چیست؟ شرط ذهنی این است که شما اعتماد داشته باشید به صدق وعده الهی؛ «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا»؛ این را معتقد باشید. معتقد باشیم که وعده الهی، وعده صادق و قاطع است؛ این جزو زمینه‌های ذهنی توکل است؛ [اگر] این نباشد، توکل پیدا نمی‌شود. لذا شما ملاحظه می‌کنید که خدای متعال مذقّت می‌کند

رهبر انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان مسابقات بین‌المللی قرآن مطرح کردند

شرط عملی توکل به میدان رفتن است



نکردند. اگر آن بخشی را که به عهده شمامست انجام دادید، مطمئناً به آن نتیجه خواهید رسید و خدای متعال آن وعده را عمل خواهد کرد. امروز ما در مقابل استیکار قرار داریم؛ [البته] نه فقط ما ملت ایران. فرق ملت ایران با بسیاری از ملت‌های دیگر این است که ملت ایران این جرئت را دارد که بگوید آمریکا متجاوز است، آمریکا دروغ‌گو است، آمریکا فریب‌کار است، آمریکا مستکبر است و «مرگ بر آمریکا»، [در حالی که] دیگران حس می‌کنند که آمریکا دروغ‌گو است، حس می‌کنند که فریب‌گر است، حس می‌کنند استعمارگر است، حس می‌کنند متجاوز است، حس می‌کنند که به هیچ اصلی از اصول انسانی پایبند نیست، [اما] جرئت نمی‌کنند این را بیان کنند، جرئت نمی‌کنند در مقابل او بایستند. خیلی خب، سهم خودشان را انجام نمی‌دهند؛ وقتی انجام ندادند، نتیجه حاصل نمی‌شود. باید سهم خود را انجام داد، باید صبر داشت، باید مجاهدت داشت و تلاش کرد تا اینکه به این نتایج رسید.

ملت ایران، در طول این چهل و چند سال، صبر کرده، تلاش کرده، همه قدرت‌های مستکبر دنیا در مقابلش صف کشیدند، علیه او تلاش کردند، کار کردند اما ملت ایران نه فقط ضربه ندیده، [بلکه] پیش رفته، ترقی کرده، رشد کرده؛ ایران امروز، ایران چهل سال قبل نیست؛ مادر همه‌جهت رشد کرده‌ایم. حالا بعضی‌ها می‌گویند در جهات معنوی [رشد نکرده‌ایم]؛ نه، در جهات معنوی هم بفرمایید: این نمونه قرآنی‌اش است. [وقتی] این بیه‌ها قرآن می‌خوانند، انسان از خواندن اینها لذّت می‌برد؛ حافظ قرآن و تالی قرآن [هستند]. زمان جوانی مادر شدند، ما هم اهل قرآن بودیم، ما هم جلسه قرآن داشتیم [اما] تعداد کسانی که می‌توانستند قرآن تجویدی خوب بخوانند، حقیقتاً در همه مشهد به ده نفر نمی‌رسید. امروز هزاران جوان در سرتاسر کشور، قرآن تجویدی قوی خوب [می‌خوانند]، هزاران نفر حافظ [هستند]؛ امروز معنویتمان [هم] پیش رفته، قرآن ما هم بحمدالله پیش رفته؛ از جهات مادی هم پیشرفت کرده‌ایم؛ جوان‌های ما کارهای گوناگونی انجام داده‌اند، و این پیشرفت ادامه پیدا خواهد کرد و ملت ایران ا‌ش‌الله به برکت توکل بر خدای متعال، به اوج مطلوب خود خواهد رسید.

محالات است اما باذن‌الله این کار ممکن است. این شرط ذهنی لازم است؛ یعنی بایستی این را بدانیم که همه محالات موجود عالم، با اذن الهی، با اراده الهی قابل تحقق است، و ممکن است تحقق پیدا کنند؛ این شرط ذهنی است.

[اما] شرط عملی؛ شرط عملی این است که برای پدید آمدن این رخداد، این حادثه، خدای متعال یک بخش کار را به عهده خود انسان می‌گذارد. این جور نیست که بنشینیم داخل منزلمان، بعد بگوییم خب «کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله»؛ نه، یک بخشی از کار به عهده ما است، همچنان که در همان قضیه حضرت عیسی بالاخره یک بخش کار به عهده حضرت عیسی بود؛ ساختن آن پرند به گل؛ این کار را حضرت عیسی باید انجام می‌داد؛ اگر انجام نمی‌داد، پرندای به وجود نمی‌آمد؛ این بخش به عهده او است، اگر چنانچه حضرت موسی (علیه‌السلام) عصا را روی زمین پرتاب نمی‌کرد، آن اتفاق نمی‌افتاد: «وَمَا يَلِكُ يَمِينُكَ يَا مُوسَى * قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَمَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى * قَالَ أَلْقُهَا يَا مُوسَى * قَالَهَا فَأَذَاهِ خَيْثُ تَسْمَعُ»؛ «الْقُهَا لازم است. [فرمود]: عصا را بینداز؛ وقتی عصا را انداختی، آن وقت نتیجه حاصل خواهد شد، معجزه رخ خواهد نمود، امر محال ـ یعنی تبدیل چوب به اژدها ـ تحقق پیدا خواهد کرد. پس این شـرط عملی است؛ باید یک بخشی از کار را به عهده بگیریم. «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا يَأْتِينَ»؛ این را قرآن نقل می‌کند از تکلیفی که به مسلمان‌های صدر اّول شد، کم هم اگر باشید، نقل می‌توانید بر بسیار غلبه کنید.

ما ملت ایران، ما ملت اسلامی، ما جامعه بشری، امروز مشکلاتی داریم که بعضی از این مشکلات، به‌نظر غریبال حل می‌رسد؛ نه، حلش همین است: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»؛ توکل به خدا کنیم، با این دو شرط: اولاً یقین داشته باشیم، اعتماد داشته باشیم که اگر وارد میدان شدیم، خدای متعال ما را کمک خواهد کرد؛ ثانیاً وارد میدان بشویم: «فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَآِئْتِكُمْ غَالِبُونَ»؛ خدای متعال به اصحاب موسی فرمود: باید بروید داخل این شهر؛ اگر وارد شدید، «فَإِئْتِكُمْ غَالِبُونَ»؛ اما وارد نشدند، غلبه هم پیدا

کسانی را که به خدا سوءظن دارند: «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَ مُصِيرًا»؛ یعنی سوءظن به وعده الهی نباید وجود داشته باشد. معتقد باشیم که اینکه می‌فرماید: «وَلَيُصْزَرَ إِلَهُ مَنْ يَتَّصِرُهُ» راست است؛ این اعتماد را باید داشته باشیم. این شرط ذهنی است. من اضافه کنم این جمله را که اینجا یادداشت کرده‌ام: در آن شرط ذهنی، یقین داشته باشیم که با اذن خدا محال ممکن می‌شود؛ چیزی که به نظر محال می‌رسد، ممکن می‌شود؛ این را یقین داشته باشیم. خیلی از چیزها در عالم موجود ما و زندگی ما جزو محالات است؛ مثلاً زنده شدن مرده جزو محالات است. یقین داشته باشیم که با اذن الهی، اگر خدای متعال اذن بدهد و اراده بفرماید، این امر محال می‌شود ممکن، می‌شود واقع؛ همچنان که خود قرآن یک جا از قول حضرت عیسی و یک‌جا از قول خود خداوند متعال این را برای ما نقل کرده: «أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَنُفِّخُ فِيهَا فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ با گل یک شکل کبوتری را، حیوانی را، پرندای را می‌سازم، بعد در او می‌دمم، کبوتر می‌شود؛ این جزو محالات نیست؟ اما باذن‌الله این محال ممکن می‌شود. «وَأَبْرَأُ الْاَكَمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأَحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ»... «آکمه» یعنی کور مادرزاد ـ کسور مادرزاد را بینا می‌کنم، مسرده را زنده می‌کنم باذن‌الله؛ این [جور] است. این را معتقد باشد که با اذن الهی همه محالات عالم، و چیزهایی که به نظر نمی‌رسد بتواند تحقق پیدا کنند، تحقق پیدا می‌کنند. [یا این آیه]: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» عده کمی می‌توانند بر عده زیادی پیروز بشوند باذن‌الله؛ این [جور] است دیگر. «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ یک گروه کمی دُوروبر طالوت توانستند باذن‌الله غلبه پیدا کنند بر یک دشمن گردگلفت؛ یعنی باذن‌الله غزه غلبه پیدا می‌کند بر رژیم صهیونیستی و رژیم آمریکا؛ این [جور] است دیگر؛ [این] محال نبود؟ اگر به شما می‌گفتند که بنا است غزه یک‌جوبی، با قدرت بزرگی مثل قدرت نظامی آمریکا مواجه بشود، روبرو بشود و با هم بجنگند، و غزه غلبه کند بر او، شما باور می‌کردید؟ باور نمی‌کردید؛ این جزو

درمیان اصلاح‌طلبان طیفی هستند که به پزشکیان نقدهای صریحی دارند؛ اما همه اقدامات ظریف را توجیه می‌کنند

دولت سایه ظریف

را انتقاد و حمله به یک جریان فکری خواندند. بعد از گذشت ده روز، این حمایت‌ها همچنان ادامه دارد و شدت بیشتری پیدا کرده است. تا آنجا که برخی رسانه‌های اصلاح‌طلبی، حمایت چهره‌ها و مقامات دولتی و سیاسی از ظریف را لیست کردند و او را قهرمان ملی خواندند.

وفاق هم هزینه ظریف می‌شود؟

برخی از اصلاح‌طلبان دفاع از ظریف را تسا آتجایش بردند که حمایت و پشتیبانی از او را به موجودیت و عدم موجودیت وفاق گره زدند. نکته جالب توجه این بود که حتی در مواردی نیز از رئیس‌جمهور این توقع را داشتند که از ظریف حمایت کند؛ انتظاری که بیش از آنکه شبیه به یک توصیه باشد، در قالب اقدامی الزام‌آور برای رئیس‌جمهور تعریف می‌شود. برخی اصلاح‌طلبان حمایت از ظریف را به کارآمدی و کارایی وفاق و دولت گره زدند. اظهاراتی که نشان می‌دهد، مواجهه اصلاح‌طلبان با دولتی که مهم‌ترین حامی آن هستند، بیش‌تر در مقام مطالبه و توقع است و در کمتر موردی به حمایت از دولت می‌پردازند. در حالی که ایسن مواجهه با محمدجواد ظریف کاملاً برعکس این موضع‌گیری است و گویی در مواجهه با رفتار و گفتار واقدامات ظریف اصل بر صحت است، مگر آنکه خلافش ثابت شود. برخی از اصلاح‌طلبان در حالی ظریف را یک چهره اثرگذار برای دولت مسعود پزشکیان می‌دانند که گویی در دوگانه حمایت از رئیس‌جمهور یا معاون او، اولویت بر حمایت از معاون است. در نگاه آن‌ها، رئیس‌جمهور و دولت باید به حمایت از معاون رئیس‌جمهور بپردازند و در غیراین صورت، ضدوفاق عمل کرده‌اند. اگر فرض را بر این بگذاریم که مبتاب بر حمایت از گفت‌مان اصلی دولت و ایده اصلاح‌طلبان که از اظهارات رئیس‌جمهور اخذ کردند، یعنی همان وفاق است، در این موقعیت طبعاً حمایت از رئیس‌جمهور که در قله این گفت‌مان قرار دارد و پس از آن بدنه دولت، اصل قرار دارد. در حالی که به نظر می‌رسد در نگاه اصلاح‌طلبان، قله گفت‌مان وفاق نه رئیس‌جمهور که محمدجواد ظریف است. کما اینکه در عمل اصلیت را بر حمایت از ظریف قرار می‌دهند و گویی معتقدند ذیل حمایت از اوست که وفاق و اساساً کارآمدی دولت معنا پیدا می‌کند.

جریان سومی‌ها در دولت وفاق چه می‌گویند؟

بدنه دولت و چهره‌های حامی آن‌ها را می‌توان در سه شاخه تقسیم‌بندی کرد. در واقع ما با سه گروه و جریان در درون دولت مواجهیم. گروه اول را افراد و چهره‌های همراه و همراستا با رئیس‌جمهور تشکیل می‌دهند؛ افرادی که یا سابقه کار و همراهی چندین‌ساله با رئیس‌جمهور دارند یا به طور کلی

ایده و مبنای عملشان با رئیس‌جمهور در یک راستا قرار دارد. معاون اجرایی رئیس‌جمهور را می‌توان از جمله افراد این جریان دانست. جریان دوم سیستم بروکراسی دولت را در اختیار دارند؛ ایده‌هایی مثل تمرکززدایی از پایتخت و تفویض اختیار به استانداردها و انتقال پایتخت، ایده‌های محوری آن‌هاست که فارغ از امکان تحقق یا عدم تحقق آن، به نظر می‌رسد به طور جدی آن را دنبال می‌کنند. عسارف، معاون اول رئیس‌جمهور، هدایت آن را به عهده دارد. جریان سوم درون دولت نیز حول محمدجواد ظریف تعریف می‌شود؛ جریانی که حمایت بخش زیادی از اصلاح‌طلبان و به طور خاص آن طیف از اصلاح‌طلبی را به همراه دارد که در تقسیم‌بندی‌های درون اصلاح‌طلبان نیز عمدتاً موضوعی رادیکال دارند. این جریان محمدجواد ظریف را نماینده یک ایده و فکر خاص درون دولت می‌دانند و از آنجا که حمله به ظریف را حمله به ایده جریسان خود می‌دانند، اصل را بر حمایت و طرفداری از ایده ظریف‌قرار می‌دهد. این جریان در حمایت از ایده خود که چهره آن را در دولت وفاق، معاون راهبردی می‌دانند، حمایت از ظریف را مهم‌تر از حمایت از دولت و شخص رئیس‌جمهور تعریف می‌کنند. موضع‌گیری جریان سوم این گزاره را پررنگ می‌کند که برای آن‌ها نشان دادن حمایت از ظریف تا آنجا اهمیت پیدا می‌کند که حتی این احتمال وجود دارد که دولت را به خاطر عدم حمایت از ظریف مورد انتقاد قرار دهند. گویی کارآمدی و ناکارآمدی دولت در حمایت یا عدم حمایت از معاون راهبردی تعریف و قضاوت می‌شود.

از ظریف دفاع می‌کنیم، حتی به غلط

مصادق موضع‌گیری و حمایت بی‌چون و چرای جریان حامی ظریف را می‌توان در ماجرای مصاحبه او در داووس دید. این جریان در حالی مدعی است که پس و پیش صحبت‌های ظریف در مصاحبه با فرید زکریا دیده نشده و بر مبنای یک ویدئوی تقطیع شده، قضاوت‌ها علیه ظریف اوج گرفته است که حتی اگر پس و پیش جمله پر حاشیه‌ی او را نیز در نظر بگیریم، تغییری در اصل ماجرا ایجاد نمی‌شود. معاون راهبردی رئیس‌جمهور پای یک دعوا و رقابت در سیاست داخلی را به مجامع بین‌المللی می‌کشد. ظریف اگرچه اشاره می‌کند که ایران یک جامعه تک‌صدایی نیست و مسعود پزشکیان در یک انتخابات واقعی رقابت را برده است، اما در ادامه هم پای یک اختلاف سیاسی داخلی را به مصاحبه باز می‌کند. او برای آنکه بگوید دولت مسعود پزشکیان، مواجهه‌ای عقلانی و منطقی در سیاست خارجی دارد، از رقیبش هزینه می‌کند و او را متهم به جنگ‌طلبی می‌کند. سـؤالی که می‌بایست از حامیان صحبت‌های ظریف در داووس پرسید این است که این اظهارات



زهرّا طیبی
محرران گروه نقد روز

دفاع از ظریف، فعلاً مهم‌ترین دستور کار رسانه‌های اصلاح‌طلبی است. این را می‌شود از صحبت‌های مقامات دولت و پرداخت رسانه‌ها و چهره‌های اصلاح‌طلبی در دفاع از معاون راهبردی فهمید. دفاعیاتی که نشان می‌دهد تا اطلاع ثانوی، مهم‌ترین دغدغه و اولویت برخی اصلاح‌طلبان، حمایت از ظریف است؛ حتی مهم‌تر از مشکلات اقتصادی و ناترازی‌های ارزی و انرژی. نکته عجیب‌تر آنکه میزان دفاع از معاون راهبردی رئیس‌جمهور حتی از حمایت از دولت و رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب هم سبقت گرفته، تا آنجا که این شبانه را پررنگ کرده که برای برخی از اصلاح‌طلبان، دفاع از معاون راهبردی حتی بر دفاع از اقدامات دولت و رئیس‌جمهور ارجح است. در واقع در مواردی با استنادناری دوگانه در مواجهه با دولت ظریف، دفاع بی‌چون و چرا از صحبت‌های محمدجواد ظریف در اجلاس داووس در حالی صورت می‌گیرد که در نقطه مقابل اقدام مثبت رئیس‌جمهور و بیل زنی او، بنا رابر انتقاد و تاخت و تاز به دولت قرار دادند. این واکنش‌ها این شبانه را تقویت می‌کند که برای برخی اصلاح‌طلبان آنچه اولویت دارد، حمایت از معاون راهبردی است، آن هم به هر قیمتی. عجیب‌تر آنکه این حمایت مهم‌تر از حمایت از دولت و کمک به تقویت آن است. مجموع این دفاعیات نشان می‌دهد جریانی حامی معاون راهبردی در حال قوت گرفتن است.

برای رادیکال‌ها ظریف با قهرمان است یا خائن

ده روزی از سفر محمدجواد ظریف به داووس گذشته است. حواشی این سفر تمامی ندارد؛ مصاحبه او با فرید زکریا و اظهار نظر او در مورد سیاست داخلی در ایران، انتقادات را به اوج خود رساند. در مواجهه با این سفر و مصاحبه او دو موضع‌گیری رادیکال خودنمایی می‌کنند. یک سمت رادیکال‌های مخالف دولت قرار دارند که علیه محمدجواد ظریف تجمع برگزار کردند و با عباراتی همچون خائن و جاسوس، او را مورد تاخت و تاز قرار دادند. در سمت دیگر نیز حامیان رادیکال دولت قرار دارند که به تمامه از حضور محمدجواد ظریف دفاع کردند و مدعی شدند که مبنای قضاوت و انتقاده‌ها ویدئویی تقطیع شده بوده است و قضاوت‌ها دقیق نبوده‌اند. آن‌ها بار دیگر این انتقادات را خیانت به وفاق خواندند و از کمرنگ شدن آن ابراز نگرانی کردند و انتقاد از ظریف

تکمیل‌کننده کدام بخش از وفاق ملی مدنظر دولت است؟ پاسخ واقع‌بینانه به این اظهارات، این است که صحبت‌های ظریف ضد وفاق است؛ اولاً در تضاد با تلاش دولت برای برقراری وفاق در سطوح مختلف مردم و کم کردن اختلافات است. معاون راهبردی رئیس‌جمهور با جنگ‌طلب خواندن رقیب رئیس‌جمهور که نزدیک به ۱۴ میلیون رأی داشت، عملاً به دو دستگی دادمان می‌زند و به مثابه هیزمی برای آتش اختلافات عمل می‌کند. کما اینکه در ده روزی که از اتمام اجلاس داووس گذشته، این موضوع قابل مشاهده است. دوماً، بر مبنای ایده وفاق در سطح ملی و تصویری که از ایران و فضای سیاسی آن ارائه می‌دهد هم تضادی آشکار دیده می‌شود. با این استدلال بخشی از اظهارات محمدجواد ظریف در داووس را می‌توان ضد وفاق و گفت‌مان دولت دانست. مواجهه منطقی برای وفساداران به گفت‌مان وفاق این بود که ضمن حمایت از صحبت‌ها و اقدامات مثبت ظریف در داووس، نیچمه توصیه‌ای به ظریف برای وفادار ماندن به گفت‌مان وفاق بکنند. اما آنچه برخی رسانه‌های اصلاح‌طلبی و چهره‌هایی که خود را وفادار به گفت‌مان وفاق معرفی می‌کردند، انجام دادند، توجیه و حمایت از صحبت‌های معاون راهبردی رئیس‌جمهور بود. هم‌زمان با آن، رسانه‌های حامی ظریف به منتقد رئیس‌جمهور تبدیل شدند و به مسعود پزشکیان توصیه کردند بیل زدن را رها کند و به مسائل مهم‌تر بپردازد. انتقاد از اقدام رئیس‌جمهور در حالی که اگر مثبت هم نباشد، قطعاً مضر نبوده، در عین حمایت از مصاحبه محمدجواد ظریف، نشان می‌دهد که برای برخی از اصلاح‌طلبان اصل بر حمایت از ظریف است، حتی به غلط، حتی اگر معاون رئیس‌جمهور ضدوفاق عمل کند.

دولت سایه وفاق‌یون

پیش از این هم به خطری که گفت‌مان دولت را تهدید می‌کند، اشاره کرده بودیم؛ خطر تبدیل شدن وفاق به ابزاری در دست برخی اصلاح‌طلبان که تحقق یا عدم تحقق آن را در نسبت با خودشان تعریف می‌کنند. در ماجرای انتقادات به محمدجواد ظریف هم این اشتباه دوباره در حال تکرار است. در تقسیم‌بندی اصلاح‌طلبان، انتقاد از صحبت‌های ظریف، عملی ضدوفاق است. در موقعیت فعلی نیز تمام اولویت‌های سیاسی در کشور تعطیل شده و تمرکز بر انتقاد از منتقدان ظریف و رسانه‌هایی است که نقدی به برخی صحبت‌ها و اظهارات او در داووس وفادار، به نظر می‌رسد جریانی از دل دولت مسعود پزشکیان در حال قوت گرفتن است. جریانی که در حال تبدیل شدن به دولتی سایه است یا این تفاوت که نقطه تمرکز آن نه حمایت از رئیس‌جمهور که حمایت از محمدجواد ظریف است.